

۲۴۷۹۸۹۶

هنر و معماری

از منظر نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت



نویسندگان: یورگن هابرماس

تئودور دبلیو آدرانو

مکس هورکهایمر

مترجم: ساحل قاسمی بغدادی

سرشناسه : هابرماس، یورگن، ۱۹۲۹ - م.

Habermas, Jurgen

عنوان و نام پدیدآور : هنر و معماری از منظر نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت/ نویسندگان یورگن هابرماس، تئودور دبلیو آدرنو، مکس هورکهایمر؛ مترجم ساحل قاسمی بغدادی.
مشخصات نشر : تهران: انتشارات اول و آخر، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری : ۱۰۸ ص.
شابک : ۹۹۸۰۰۰۹۷۸-۶۲۲-۵۸۲۸-۴۵-۲ ریال
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : زبان: فارسی-انگلیسی.
یادداشت : کتاب حاضر از مقاله‌های مختلف گردآوری و ترجمه شده است.
موضوع : مکتب فرانکفورت

Frankfurt school of sociology

نظریه انتقادی

Critical theory

هنر و معماری

Art and architecture

شناسه افزوده : آدرنو، تئودور دبلیو، ۱۹۰۳ - ۱۹۶۹ م.
شناسه افزوده : Adorno, Theodor W, ۱۹۰۳-۱۹۶۹
شناسه افزوده : هورکهایمر، مکس، ۱۸۹۵ - ۱۹۷۳ م.
شناسه افزوده : Horkheimer, Max
شناسه افزوده : قاسمی بغدادی، ساحل، ۱۳۶۴-، مترجم
رده بندی کنگره : ۴۷۱۲۶۷
رده بندی دیویی : ۳۰۱/۰۱
شماره کتابشناسی ملی : ۹۶۰۵۲۴۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

هنر و معماری از منظر نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت

نویسندگان: یورگن هابرماس- تئودور دبلیو آدرنو- مکس هورکهایمر

مترجم: ساحل قاسمی بغدادی

ناشر : انتشارات اول و آخر

چاپ اول : ۱۴۰۳

شمارگان : ۵۰۰ جلد

قیمت: ۹۹۸۰۰ تومان

انتشارات اول و آخر

«عضو انجمن فرهنگی ناشران کتاب دانشگاهی»

© حق چاپ محفوظ است. ISBN ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۲۸-۴۵-۲

این اثر، مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هرکس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ی ناشر به هر شکل اعم از نشر یا پخش عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

نشانی: تهران، میدان انقلاب، کوچه جنتی (مترو)، بن بست فرسار، پلاک ۳، واحد ۱

تلفن: ۶۶۱۲۷۰۸۳-۶۶۱۲۷۲۶۶

فهرست

- ۴ مقدمه مترجم
- ۶ یورگن هابرماس
- ۳۴ تئودور دبلیو آدرانو
- ۷۶ مکس هورکهایمر

www.ketab.ir



مقدمه مترجم

ترجمه متون حاضر، گامی مؤثر در راستای شناخت هر چه بیشتر آراء نظریه پردازان مکتب فرانکفورت بوده است و تا حدودی مقایسه هنر و فضای معماری از منظر دیالکتیک روشنگری این اندیشمندان است. وجود کتب ارزشمندی در این باب همچون مدرنیته و اندیشه انتقادی مرا برا آن داشت تا با تهیه و تدوین این اثر، مخاطبان معماری خصوصاً نسل جوان و جویای دانش را به چالشی جدید سوق دهم که همانا مطالعه مباحث فلسفی - اجتماعی است که خواه ناخواه در فضای هنر و معماری ریشه دوانیده اند. این یادداشت که در سه بخش تنظیم شده است به بررسی کوتاه اندیشه های آدورنو، هورکهایمر و یورگن هابرماس و با توجه خاص به نظریه های ارتباطی این سه اندیشمند می پردازد. در بعضی بخش های این کتاب لغاتی بالاجبار به زبان اصلی باقی مانده اند چون فاقد معادل دقیق فارسی بوده و ریشه آلمانی دارند. امید است نوشتار حاضر موجب گشایش فعالیت های بعدی در این حوزه از سوی علاقمندان و دانشجویان مستعد معماری باشد.

توضیح مختصری در باب مکتب انتقادی یا فرانکفورت در اینجا خالی از لطف نیست. مکتب فرانکفورت، محصول اندیشه گروهی از نومارکیست های آلمانی است که از نظریه مارکسیستی، به ویژه از گرایش آن به جبرگرایی اقتصادی، دل خوشی نداشتند. این مکتب در ۱۹۲۳ در فرانکفورت آلمان پایه گذاری شد، هرچند که بسیاری از اعضای آن حتی پیش از این زمان نیز فعال بودند.

پس از به قدرت رسیدن نازی ها در دهه ۱۹۳۰، بسیاری از شخصیت های این مکتب به ایالات متحده مهاجرت کردند و در موسسه ای وابسته به دانشگاه کلمبیا در شهر نیویورک به فعالیتشان ادامه دادند. چندی پس از پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، برخی از نظریه پردازان انتقادی به آلمان باز گشتند و بقیه در آمریکا ماندند. امروزه نظریه انتقادی به فراسوی محدوده های مکتب، گسترش یافته است، اما مهمترین کارهای این نظریه به وسیله گروهی از نسل دوم اندیشمندان انتقادی در آلمان انجام می گیرد. (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۹۹)

در واقع چنانکه از یک متفکر انتقادی انتظار می رود سر آغاز تحلیل آنان به رابطه انسان و طبیعت و نیز انسان و انسان باز می گردد و سلطه علم و تکنولوژی بر سایر وجهه های حیات. این سه متفکر نیز با همین بحث آغاز می کنند و پس از اثبات سلطه علم و تکنولوژی بر انسان و طبیعت و از خود بیگانگی انسان و شی شددگی او به ارائه نظریات خود در باب فرهنگ و هنر و مباحث ارتباطی خود می پردازند.

آدورنو و هورکهایمر معمولاً نظرات بسیار مباحث بسیار زیرکانه و تیزبینانه ای « توده ای نمودن » و « صنعت فرهنگ » نزدیکی دارند و با مطرح کردن بحث در قلب استدلال های دیالکتیک روشنگری این نکته « : را مطرح می نمایند. آنجایی که بابک احمدی می گوید نهفته است که خرد باوری سرچشمه بحران حاضر است. این خرد باوری نتایج پیش بینی نشده ای به بار می آورد که جنبه خرد ابزاری و کاربردی آن مربوط است. آدورنو و هورکهایمر معتقدند که خرد باوران تلاش داشتند که انسان را از اندیشه اسطوره ای - دینی رها کنند. اما از آنجا که خرد باوری نه به عقل عملی، بلکه به عقل ابزاری رسید، نتوانست خود را از بند اسطوره رها و جدا کند. لذا خود از عقل، اسطوره ای ساخت که بر آن حاکم شد (احمدی، ۱۳۸۳:۱۳۲)

تولید بدل شود و این « ایدئولوژی صنعت » صنعت فرهنگ و فرهنگ توده باعث می شوند که مصرف کننده به مکانیسم از طریق تحمیل قوانین بازار (سلطه ارزش مبادله بر مصرف و تحمیل نیاز های کاذب بر راستین) بر هنر رخ می دهد. صنعت فرهنگ باعث بازتولید انسان ها در قالب مورد درخواست سرمایه داران می شود و امکان مخالفت آنها را بر سلطه موجود از بین می برد.

در این شرایط موسیقی، فیلم، هنر تئاتر می شود. فرایند عادی سازی و کلیشه سازی رخ می دهد و در این شرایط تماشاگر فاقد تفکر مستقل می گردد. کارکرد اصیل صنعت فرهنگی و هنر توده ای این است که جلوسر راست و در واقع تسلیم کننده هنر عامیانه را جایگزین جهان پیچیده و منحصر به فرد اثر هنری کند و منش. همگانی و آشنا را به جای منش یکه، تکرار نشدنی و در نتیجه نا آشنا بنشانند (احمدی، ۱۳۸۱:۷۵)

حاصل این امر برای هنر و هنرمند چیست؟ در واقع تحت این نظام صنعت فرهنگی، آثار فرهنگی و هنری باید در قالبی از پیش تعیین شده ساخته و پرداخته شوند، چرا که هنر تحت سلطه نظام مبادله قرار گرفته است و در این سلطه هنرمند از آغاز باید بر اساس نیاز نهایی خلق کند. لذا هنرمند استقلال خود را از دست می دهد و محصول فرهنگی نیز استقلال خود را، در واقع محصول فرهنگی یا هنری کالایی می شوند. کالایی که در بازار و برای بازار تولید می شود و این کالایی شدن هنر ضربه نهایی صنعت فرهنگی تلقی می گردد. اثر هنری در واقع به کالایی بی طرف، خنثی و بی اثر تبدیل می گردد که ارزش مبادله دارد و مقبولیت آن دیگر نه در هنر و هنرمند بلکه در پذیرش و مقبولیت از سوی مخاطب است.